

بازتاب شخصیت پیامبر^(ص) در شعر معاصر فارسی

سعید بزرگ بیگدلی*

مریم صادقی**

چکیده

شخصیت والا و سیره انسانی و نبوی پیامبر اکرم^(ص) همواره از کانون‌های مضمون‌آفرینی و تصویرسازی شاعران و نویسندگان در ادب فارسی بوده است. شاعران فارسی‌گوی پس از اسلام تاکنون به مناسبت‌های گوناگون به تکریم آن حضرت پرداخته‌اند؛ به ویژه در ابتدای سخن خود پس از حمد و ستایش خالق هستی بخش، به بزرگداشت و مدح پیامبر، مقام نبوت و مخصوصاً خاتمیت و سرآمدی و محوریت وجود آن حضرت در کل کائنات توجه داشته‌اند و به تعبیر ابن عربی و عارفان پیرو او حقیقت محمدیه را مرکز و علت ایجاد هستی دانسته‌اند و عموم ادیبان ایران، حوادث زندگی و جلوه‌های مختلف شخصیت جامع پیامبر اعظم^(ص) را در مقام انسان کامل و اسوه بشر در آثار خویش منعکس ساخته‌اند که در شعر سنتی فارسی نمودی چشمگیر دارد. در این مقاله میزان توجه شاعران معاصر فارسی به شخصیت پیامبر اکرم^(ص) بررسی می‌شود. هدف این جستار بررسی کیفیت این بازتاب‌ها در مقایسه شعر سنتی و نو بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد شاعران معاصر فارسی شخصیت پیامبر را در چهار بعد مدحی، حادثه‌ای، روایتی و تصویری در اشعارشان منعکس کرده‌اند. در این مقاله همچنین اغلب شاعران برجسته که در این ابعاد، شعری سروده‌اند، تحلیل و ارزیابی شده‌اند.

واژگان کلیدی: شعر معاصر فارسی، پیامبر اسلام، جلوه‌های نبوی، سیره نبوی.

مقدمه

ابعاد گوناگون حیات پیامبر اکرم^(ص) چه از نظر فردی و چه از منظر اجتماعی و نیز رسالتی که از جانب خداوند در هدایت بشر بر عهده داشته‌اند همواره در کانون توجه مسلمانان و پیروان دیگر ادیان بوده است. در این میان، شخصیت والای پیامبر برای ایرانیان جذابیتی ویژه داشته، بر حیات فردی و اجتماعی و تاریخی آنان، تأثیری فراوان گذاشته است؛ از جمله این عرصه‌ها، بازتاب شخصیت والای پیامبر در شعر معاصر فارسی است که به صورت مناقب و احوال و تقریرات آن حضرت، جلوه یافته و آن را حیات بخشیده است، به طوری که می‌توان ادعا کرد شعر فارسی پس از ظهور اسلام، به یکی از اقسام هنر دینی تبدیل شده است. شاعران ادب فارسی بنا به باورهای خود نسبت به وجود عظیم پیامبر و رسالت انسانی و جهانی او مبنی بر اصلاح انسان‌ها و پایه‌گذاری آرمان‌شهر الهی، پس از حمد خداوند به مدح پیامبر و بیان هنرمندانه و تصویری صفات و مناقب آن حضرت پرداخته‌اند. از این رو ستایش پیامبر به تدریج به یک سنت شعری تبدیل شد؛ به طوری که به مثابه یکی از ارکان مستحکم و پا بر جای شعر فارسی درآمد، زیرا پیامبر برای تمام مسلمانان بهترین الگو و راهبر زندگی بوده است. این امر باعث شد که شعر فارسی پس از اسلام دارای ویژگی‌هایی بارز در مقایسه با شعر پیش از اسلام باشد. بعثت پیامبر^(ص) در واقع شعر فارسی را از محدود ماندن در ظرفیت‌های کوچک و مشکلات فردی و ناگنجایی باورهای بزرگ جهانی و عقاید مشترک بشری، رهایی داد و آن را به شیوه‌ای کارآمد برای رشد و پیشرفت جامعه‌ی انسانی، مبدل ساخت. به عبارت دیگر شعر فارسی در پیوند دو عنصر ادب و باورهای اسلامی جاودانه و پایدار گشت. در واقع کارآمدی شعر هم از پیوستگی این دو عامل یعنی ادب با همه‌ی عناصرش و نیز اندیشه‌ی نشئت می‌گیرد؛ در نتیجه شعر معاصر در مقام یکی از عوامل سازندگی انسان، هستی و جهان و نیز انسان را به چالش کشانید و به میدان عمل وارد شد. اما این به معنای اصالت انسان یا اصالت فرد نبود؛ یعنی اینکه ظهور جلوه‌های نبوی در شعر فارسی تنها به شخصیت پیامبر و نیز حوادث زندگانی و یا سخنان ایشان در مقام یک انسان والا و کم نظیر محدود و منحصر نمی‌شد، بلکه بعثت خاتم‌الانبیا از جانب خداوند نوعی فرهنگ دینی را پایه‌گذاری نمود که هر چه از زمان آن می‌گذشت اساس آن محکم‌تر و گسترش آن بیشتر می‌شد تا حدی که می‌توان گفت

زندگی ایرانیان را دربرگرفت و با امتزاج با فرهنگ ایرانی، جزء لاینفک زندگی و جامعه ایرانی محسوب شد و حیات مادی و معنوی آن را دگرگون کرد و این امر، چه به صورت یک باور عمیق ذهنی و چه منبعث از فضای اجتماعی، خواستار اعتلای مقام انسان بود که در آن پیامبر به صورت یک الگوی کامل، انسان‌ها را از ویژگی‌ها و هویت‌های صرفاً زمینی و غیرخدا مدارانه به سوی ساحتی الهی رهنمون می‌شد و هویت خدایی می‌بخشید.

جلوه‌های نبوی در شعر معاصر فارسی

جلوه‌های نبوی در شعر فارسی تا عصر مشروطه عمدتاً در ابعاد بعثت، معراج و حوادث و اقوال آن حضرت، متجلی است. برای مثال فردوسی، اقوال و سخنان پیامبر را در جای جای شاهنامه متجلی ساخته است (راستگو، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۷). نظامی گنجوی در مخزن‌الاسرار، مسئله معراج پیامبر و مولانا در شش دفتر مثنوی، به فراوانی، حوادث و اقوال زندگی پیامبر را جلوه داده‌اند. پس از آن هم شاعرانی دیگر تا زمان مشروطه، همین سنت شعری را کماکان ادامه می‌دهند. اما انقلاب مشروطه نقطه عطف و تحول‌آفرین در ظهور شخصیت پیامبر محسوب می‌شود، یعنی این انقلاب که با هدف قانون مداری و عدالت‌گرایی و اعاده حقوق انسان‌ها در ایران به وقوع پیوست، در تداوم تحولاتی که در جامعه ایران ایجاد کرد - که از جمله آنها زمینه‌ساز تحولات ادبی و پیدایش شعر نو شد - شعر فارسی را از نظر کمیت و کیفیت بازتاب ابعاد وجودی پیامبر به دو نوع متمایز تقسیم کرد. این امر سؤالاتی را به ذهن متبادر می‌کند: اول اینکه در شعر دوره معاصر شخصیت پیامبر چه تغییرات کمی و کیفی داشته است؟ دوم اینکه چه عواملی در این بازتاب‌ها مؤثر بوده‌اند؟

شعر دوره معاصر را از نظر زمانی می‌توان در شش دوره متمایز قرارداد: (یاحقی، ۱۳۸۳: ۱۴ و ۳۵) شعر دوره اول، عصر بیداری (۱۲۸۵-۱۳۰۴) شعر دوره دوم یا عصر استبداد (۱۳۰۴-۱۳۲۰) شعر دوره سوم یا عصر آزادی نسبی جامعه ایرانی (۱۳۲۰-۱۳۳۲) و شعر دوره چهارم یا عصر تحکیم پایه‌های حکومت محمدرضاشاه (۱۳۳۲-۱۳۳۲) و شعر دوره پنجم یا عصر انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۴۲) و شعر دوره ششم یا شعر عصر جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۸۰). از آنجایی که دوره مشروطه واقع‌گراترین

و اجتماعی‌ترین دوره و به تعبیری آینه انعکاس مسایل جامعه در ادبیات است، به لحاظ ساختار زبانی و فکری متفاوت، اصول شعر را از دایره سنت بیرون کشیده به عنصری کارآمد تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر شعر معاصر فارسی از عوالم ماورایی خارج می‌شود و با یافتن جوهره زمینی، به دایره اجتماع و مردم و مسایل انسان معاصر، وارد می‌شود تا وسیله‌ای شود برای بیان دردها و آلامی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. پس شعر معاصر کارآمدی خود را از آمیختگی هنر و اندیشه معاصر به دست می‌آورد تا بتواند در چالش انسان و سیاست و جامعه در نقش یک راهنما و همدرد با انسان جامعه، ظاهر شده، الگویی راهبردی عرضه کند. به عبارت دیگر شعر برای شاعر معاصر، نه وسیله امرارمعاش و نه ابزار شهرت اوست، بلکه سخن و نظریه اوست که هم ردیف سایر نظریه پردازان جامعه، مطرح می‌شود و او را در ردیف دردمندان و مبارزان اجتماع قرار می‌دهد. بنابراین، شعر نو به صورتی پویاتر و تحول‌آفرین، مسیر خود را ادامه می‌دهد و در نتیجه در تمام زمینه‌های موضوعی و قالبی و محتوایی، به بازنگری دست زده بعضاً با برخی از سنت‌های شعری مبارزه می‌کند.

عوامل مؤثر در تحول شعر معاصر

به طور کلی ادبیات و به ویژه شعر در اثر پیامدهای جنگ‌های طولانی و گسترده ایران و روس دچار تحولاتی فراوان می‌شوند. این جنگ‌ها با همه تبعاتی که برای جامعه ایران دارد در واقع نوعی برخورد فرهنگی میان دو تمدن است که با شکست سپاه ایران از روسیه پایان می‌پذیرد و عمده‌ی پیامدهای حاصل از این شکست متوجه بی‌خبری ایرانیان از تحولات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و به ویژه عقب‌ماندگی از پیشرفت‌های صنعتی در غرب است و بهره‌گیری روسیه از آن تحولات که باعث تقویت آن به ویژه تجهیز سپاهیان و به کارگیری آلات جنگی پیشرفته است که عامل توجه اندیشمندان ایرانی به علل شکست خود گشته موجب دگرگونی‌هایی در نگرش آنها به اوضاع درونی و بیرونی اجتماع خویش می‌گردد. شعر نیز پس از این شکست ویژگی‌هایی خاص پیدا می‌کند که برخی از آن به عنوان ویژگی‌های دوره گذار یاد کرده‌اند و از بارزترین جلوه‌های آن، سست شدن و بریدن پیوندهای گوناگون جامعه از گذشته و اصول کلاسیک، فرو ریختن برخی بنیادهای مذهبی و اجتماعی و ادبی و عصیان در برابر آنها،

مبالغه در نوپذیری و نوآوری است که باعث تشکیل دو جبهه متمایز و افراطی متجدد و متقدم می‌گردد و افزایش اختلاف میان نسل‌ها، بیگانگی روزافزون با خویش، دیگرپرستی، شخصیت‌زدایی و آشفتگی وجدان اجتماعی و اعتراض به انحطاط و زوال معنویت و ابراز ناامیدی از آینده مبهم نیز از نتایج آن است (امین‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۴). این عوامل و موضوعات مذکور، شعر فارسی معاصر را به طور کلی از حال و هوای گذشته سنتی خود خارج می‌سازد و به یکی از ابزارهای زندگی دنیایی بهتر و ایده‌آل تبدیل می‌کند.

تقسیمات اصلی شعر فارسی دوره معاصر

با توجه به موضوعات بیان شده می‌توان شعر فارسی دوره معاصر (به ویژه شعر دوره خاندان پهلوی) را از نظر محتوا و موضوع به چهار شاخه اصلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: شعر سیاسی چپ، شعر اسلامی، شعر ملی‌گرا و شعر سلطنت طلب (درستی، ۱۳۸۱: ۱۴). بدیهی است شاعران در این اشعار بنا به موضوع، برای بیان مقاصد خویش و گوسازی مناسب و تأثیرگذاری بیشتر، در الگوهای پیشین تجدیدنظر کرده از شخصیت‌هایی متفاوت اعم از شخصیت‌های جدید و یا متحول شده قدیم در تصویر الگوهای خود بهره می‌گیرند. به عبارتی اگر شاعران سنتی از الگوهای دینی و ملی مثل پیامبر اکرم^(ص)، امام علی، رستم و سیاوش و نظایر آن برای سوق دادن مردم به سمت آنها بهره می‌گیرند، در شعر نو این الگوها با مسایل مبتلابه جامعه پیوند داده شده به صورت شخصیتی نو و متناسب با مسایل جامعه در نیل به آرمان‌ها مطرح می‌شود. شاعرانی چون اسماعیل خویی و سیاوش کسرای و حمید مصدق و هوشنگ ابتهاج نوعی رویکرد سیاسی چپ را در شعر خویش آشکار می‌کنند و شاعرانی دیگر مانند فرخی یزدی، اخوان و حمیدی شیرازی و سیمین بهبهانی که رویکردی ملی‌گرایانه دارند به اسطوره‌ها و شخصیت‌های ایرانی چون کاوه و نیز بیژن و منیژه و آرش کمانگیر و محمد مصدق استناد می‌کنند (درستی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). دسته سوم شاعرانی هستند که به نوعی آنها نیز گرایش‌های ملی‌گرایانه دارند اما در جهت و مسیری دیگر مانند ابراهیم صهبا، صادق سرمد و ماشاءالله هدی‌وند؛ با این تفاوت که این شاعران، شاه و خاندان پهلوی را باعث فخر و عظمت و مایه جاودانی ایران می‌دانند^(۱) و اما دسته چهارم که

مورد بحث و استناد این مقاله است با وجود جریانات سیاسی و ادبی مختلف، شیوه و شگردی مذهبی دارند؛ مانند بهار، شهریار، حمید سبزواری، مهرداد اوستا، سلمان هراتی، حسن حسینی، محمدرضا شفیعی کدکنی، علیرضا قزوه، سید علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده و قیصر امین‌پور، که در شعر خود مبارزان دینی و رهبران مذهبی را الگوی انسان‌ها برای رسیدن به آرمان‌های موردنظر قرار می‌دهند.

شعر دینی

با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت شاعرانی چون صفارزاده، سعی دارند در شعر خویش شخصیت‌های دینی را با توصیفات خود، به الگوهایی کارآمد برای نسل امروز تبدیل نمایند. بنابراین، شعر این شاعران، نوعی ادبیات و هنر دینی – سیاسی را بنیان می‌نهد که هدف آن انطباق الگوهای دینی با مسایل اجتماعی است تا بتواند دریافتی متفاوت از اسلام را به ویژه در ابعاد اجتماعی اسلام معرفی نماید. شاعران این گروه با دو شیوه عملی در شعر ظاهر می‌شوند. برخی مانند بهار و شهریار سنت شعر گذشته را در مدح و منقبت پیامبر با همان فضایل در شعر جلوه می‌دهند و گروهی دیگر جلوه‌هایی نو و تحول یافته از شخصیت و سیره پیامبر و اصحاب بزرگوارش را در شعر ظاهر می‌سازند. در شعر این شاعران، پیامبر و علی نماد مبارزه با ستم و ظلم و برافرازننده رایت عدل و مساوات قرار می‌گیرند. در واقع این طرز بیان، با هدف بازنگری در الگوهای دینی و احیای ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد؛ به طوری که با این هدف نوعی بیان انتخاب‌گرایانه صورت می‌گیرد و امام علی و امام حسین بسامد حضور و ظهور بیشتری می‌یابند چون بارویکردی سیاسی سمبل مبارزه با حکومت ظالم و فاسد تلقی می‌شوند که در راه احیای اسلام به شهادت می‌رسند و می‌توانند الگویی کارآمد برای مبارزات مردم مسلمان در ایران بر ضد رژیم مستبد باشند. اما به نظر می‌رسد ستیز پیامبر با دشمنان اسلام در شعر این دوره بیشتر به صورت مبارزه‌ای فرهنگی جلوه می‌کند که از جمله نمونه‌های آن می‌توان به شعر خاستگاه نور از مجموعه شعر «در سایه سار نخل ولایت» از موسوی گرمارودی اشاره کرد. در شعر خاستگاه نور، این عصر به علت فقدان پیامبر، قرن ننگ و بداندیشی است.

فضیلت‌ها لجن آلوده / آدم‌ها سیه فکر و سیه کارند و انسان، نام اشرافی زیبایی است

از معنی تهی مانده/ محمد گرم گفتاری غم آلود است/... که می گوید/ خدای کعبه/ بشنو آنچه می گویم/ پیام درد انسان‌های قرن را بشنو.../پیام آن که افتاده است در گرداب .../ (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۲۱).

عوامل تحول جلوه‌های دینی در شعر معاصر

حال با توجه به آنچه گذشت می‌توان مهم‌ترین علل و عوامل تحول جلوه‌های شخصیت‌های دینی در شعر معاصر را چنین برشمرد.

۱. انسان در شعر معاصر جایگاهی ویژه دارد. او محور اصلاحات اجتماعی و دینی است و در نتیجه به الگوهای رایج و همزمان خویش نیاز دارد تا بتواند در همانندسازی با آنها، به اهداف خویش برسد.

۲. تفکرات انسان مدارانه برخی از فیلسوفان ... که بر اصالت انسان تأکید داشتند روحیه غیرمذهبی را گسترش و ترویج داد (یاحقی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

۳. اندیشه‌های دینی رسمی حاکم بر جامعه که از طرف حکومت تأیید می‌شد و نتیجه‌ی آن نوعی اسلام حکومتی بود، عاملی قوی برای مخالفت با اندیشه‌ها و الگوهای دینی حکومتی و در نتیجه نوعی گرایش مذهبی شد.

۴. تفکر غالب نوگرایان این بود که شعر نو باید در کلیه گرایش‌های زبانی و اندیشه‌ای، با شعر سنتی متفاوت باشد. لذا این رویکرد منجر به نوعی گرایش متفاوت و طرد مضامین کارآمد در شعر نو شده است.

۵. اندیشه‌های غربی و شرقی در عین ایجاد تحول در نگرش‌های اجتماعی و سیاسی در شعر نو باورهای مذهبی را به چالش کشیده، موجب جبهه‌گیری ناخودآگاه شاعران نوگرا در مقابل اندیشه‌های دینی می‌شود.

۶. تحولات سیاسی و اجتماعی دوره معاصر مثل انقلاب مشروطه و پیامدهای آن، نهضت تحریم تنباکو و قیام آذربایجان و ملی شدن صنعت نفت و شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی و کودتای ۲۸ مرداد «که بخشی از ادبیات را در اشعار ملی‌گرایانه تشکیل می‌دهد» (درستی، ۱۳۸۱: ۲۳۴) باعث الگوپذیری از شخصیت‌های معاصر و ظهور شخصیت‌های جدید سیاسی و اجتماعی و دینی در جامعه ایران شده، به نوعی

جانشین الگوهای دینی ایرانی در شعر معاصر می‌شود و در نتیجه اغلب شاعران معاصر به جای مطرح کردن الگوهای سنتی شعر، شخصیت‌های جدید را به علت کارآمدی و ملموس بودن ترجیح می‌دهند تا به شکلی مؤثر و متناسب با آرمان‌ها و اهداف برای مردم مطرح سازند.

۷. از طرف دیگر خاستگاه و حوادث زندگی شاعران نقشی مهم در کاهش و افزایش گرایش‌های دینی داشته است. برای مثال موسوی گرمارودی خاستگاه گرایش‌های مذهبی خویش را در اشعارش آشکار می‌سازد. بنابراین، شعر دینی برای اینکه کارآمدی خود را حفظ کند، لازم می‌بود با تحولی پرشتاب مفاهیم موردنظر خود را با جامعه و آرمان‌های آن منطبق سازد.

۸. شعر معاصر به ویژه شعر عصر امام خمینی در متحول ساختن شخصیت‌ها و الگوهای دینی نوعی نگرش متعهدانه را تعقیب می‌کند^(۲). بدین معنی که پیامبر و امامان را مطابق با آرمان‌های دینی و تحولات اجتماعی، رکن اساسی شعر خویش قرار می‌دهد و باعث افزایش گرایش‌های اسلامی می‌شود.

۹. شاعران معاصر مشهور به ویژه شاعران عصر امام خمینی محصول اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی زمانه خویشتن هستند. برای مثال موسوی گرمارودی شاعری برآمده از اندیشه و آرمانی است که بدان اعتقاد دارد و در راه آن مبارزه می‌کند و قیصر امین‌پور محصول انقلاب اسلامی است. بنابراین، نگرش شاعران به اسلام و الگوهای نبوی با یکدیگر متفاوت است. در واقع «شاعران متعهد دو گروه‌اند، برخی آرمان‌گرایانه، شعر می‌گویند و برخی تنها در شرایط موافق شعر می‌گویند» (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۴۵) چنان که گذشت جلوه‌های نبوی در شعر فارسی به تحولاتی گسترده دچار شده و شخصیت پیامبر در چهار بعد متجلی شده است که عبارت است از ۱. بعد مدحی ۲. بعد حادثه‌ای ۳. بعد روایتی ۴. بعد تصویری.

شاعرانی که شعرشان در این مقاله بررسی شده عبارت‌اند از بهار، شهریار، اخوان ثالث، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، موسوی گرمارودی، سلمان هراتی، احمد عزیزی، علی معلم، هادی سعیدی کیاسری، مهرداد اوستا و عبدالرضا رضایی، امیری فیروزکوهی.

۱. بعد مدحی

۱-۱. بهار

بهار در شعری که در سال ۱۲۸۲ در جشن ولادت پیامبر سروده، آن حضرت را به آفتاب روشن بی‌انکساف و احتجاب که جلوه‌ای نمود و چشم جهان را از حجاب برگرفت، تشبیه نموده است.

شمس رسل محمد مرسل که در ازل از ما سوی الله آمده ذات وی انتخاب
بنمود جلوه‌ای وز دانش فروخت نور بگشود چهره‌ای و ز بینش گشود باب

(بهار، ۱۳۷۸: ۳۸)

در شعری دیگر مدیح محمد را از دل و جان می‌گوید و او را سرخیل انبیاء و مدرس پیغمبران به فضل و ابجدخوانی می‌شمارد چون او سرآمد پیامبران و ختم رسل است. پیغمبران به مدرس فضل او حاضر شوند خواندن ابجد را

(همان: ۱۲۱)

و باز در بیتی دیگر، پیامبر را به خلق عظیم و نیکو ستایش می‌نماید.

خدایگان رسول، رسول بار خدای که مرخدایش ستوده از نکوسیری^(۳)
خدای را غرض از خلقت جهان او بود وگرنه بهر چه آورد انس و جن و پری^(۴)

(همان: ۱۰۷)

۱-۲. شهریار

عرش الهی در شعر شهریار به وجود عظیم پیامبر (ص) قائم و پابرجاست: ستون عرش خدا قائم از قیام محمد (ص) بین که سر به کجا می‌کشد مقام محمد (ص) به جز فرشته عرش آشیان وحی پرنده پر نتواند زدن به بام محمد

(شهریار، ۱۳۷۳: ۹۷)

مهر نبوت نیز از جمله مضامینی است که شهریار در مدح پیامبر بدان اشاره کرده است: به کارنامه منشور آسمانی قرآن که نقش مهر نبوت بود به نام محمد

(همان)

شهریار در شعر صدای خدا اسلام را کامل‌ترین مکتب می‌داند:

مکتب موسی است دبستان دین مقتضی طفل سبق خوان دین
مکتب عیسی که کند نغمه سر دوره رشد است و بلوغ بشر

مکتب اسلام که کامل شده است مدرسه عالی و دانشکده است
(همان: ۴۰۱)

مکتب اسلام به عنوان یک دانشکده و مؤسسه عالی، مسلمانان را به نیکی و صلاح آموزش می‌دهد. در اشعار سنتی شهریار، پیامبر از خلال داستان‌ها و حوادث زندگی، به شکل یک راهنما و هادی ظهور می‌کند و شاعر و مردم را اصلاح می‌نماید. شهریار از پیامبر می‌خواهد که دین اسلام را احیا نماید:

رهایی‌مان ده از آلام و اسقام به ما نه منت احیای اسلام
(همان: ۴۱۱)

۳-۱. امیری فیروز کوهی

در شعر امیری فیروز کوهی، پیامبر مظهر و الگوی مبارزان و سربازانی است که در راه میهن، جان بر کف مبارزه می‌کنند تا را از دستبرد بدخواهان، محفوظش دارند. لذا در ضمن اشعار خود به توصیف غزوه‌های پیامبر و فارسان این عرصه می‌پردازد که در ذیل به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

غزوه بدر و حنین و خندق و خیبر به چشم امتیاز حق ز نا حق بود و در تکرار باد
خاک پای مصطفی وان گاه رجس اهل کفر سجده گاه پاکدینان پاک از این اقدار باد
در ذهاب بی‌ایاب دشمنان از خاکتان مذهب مختارتان از احمد مختار باد
(امیری فیروزکوهی، ۱۳۶۹: ۹۲)

۴-۱. اخوان ثالث

جلوه‌های نبوی در شعر اخوان ثالث حالت مدح و منقبت صرف را ندارد، بلکه اخوان معترضان و منکران نبوت را مورد طعن قرار می‌دهد.

آن را که منم چون شما بشر گفت^(۵) سنجیدی و گفתי که هست یا نیست
وقتی که حسین آمد و زحق گفت گفתי تو که فرزند مصطفی نیست
او پور علی مرتضی و زهراست از نسل محمد رسول ما نیست
(اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۴۱۲)

۵-۱. صفار زاده

صفارزاده در شعر خویش نبی^(ص) را الهام بخش اصحاب بزرگوار و پاک خویش می‌داند آنان در پیوند با پیامبر لحظات حیات و زندگی خویش را ملکوتی می‌کنند.
فراز همهمه شادان / مهاجران / یاران / صدای نبض نبی می‌آید / صدای شرقی باران

/ دستی ز شاخ نخل جدا شد / و چنگ او / به رشته محکم / به عروة الوثقی / می پیوست
/ صدای ناب اذان می آید... (صفارزاده، ۱۳۵۷: ۲۶).

در شعر صفارزاده پیامبران وسیله هدایت مردم هستند و چون خداوند اراده فرموده
که بندگان را هدایت فرماید، بنابر این پیامبران وسیله و عامل اجرای سنت الهی هستند.
خدای خالق تقدیر / اراده فرمود که دین / مقام امن و عدل و خرد باشد / و هادیان و
امامان / در این میان / وسیله‌های عالی تقدیرند (صفارزاده، ۱۳۷۵: ۸۲).

پیامبر بر افزاننده پرچم عدالت و درهم ریزنده قانون جنگل است. فصل بعثت
پیامبران سرشار از باران رحمت است و سردی‌ها را می‌شوید. بعثت، انقلابی است که
جامعه سیاه را به جامعه سپید تبدیل می‌کند

ز سلطه نفس تو / هراس دارد، هراس دارد، سرما، هراس دارد سرما / ردای گرم
نبوت / تنها حدیث و نقل و سخن نیست (صفارزاده، ۱۳۶۵: ۱۴-۱۳).

۱-۶. سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی پیامبر را سمبل و الگوی مبارزه با ستم و ظلم می‌داند:

بخشایش دم به دم بود هر خون که او بنهاد / تندیس قهر و ستم بود هربت که او بشکست
(بهبهانی، ۱۳۸۳: ۹۵۹)

بهبهانی در شعرش به کوه خطاب می‌کند آن سان که در برابر نخستین کلام وحی،
پیامبر بر خویش لرزید.

ای کوه ای کهنه دفتر وقت بخوان گفتن / در امن تو با پیامبر / روح الامین پیوست
(همان: ۱۵۹).

۱-۷. موسوی گرمارودی

پیامبر در شعر موسوی گرمارودی جلوه‌ای متفاوت از دیگر شاعران دارد در غار حراء
بزرگ‌ترین تحول دینی جهان انجام می‌گیرد و ابرمرد جهان، که چوپانی از بنی‌هاشم
است با خداوند سخن می‌گوید.

بخوان ای مرد / به نام آن بخوان که ت آفرید ای مرد؟ / من خواندن نمی‌دانم
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۲۳)

شاعر در شعر خویش خداوند را ستایش می‌کند که سر واژه کلام وجود است و
پیامبر را مبعوث کرده تا خلق را هدایت نماید و زند و پازند را بشوید. در این شعر پیامبر

با تعبیر یتیم بادیه، وصف می‌شود.

برگزینی یتیم بادیه را به نبوت بر این روال و روند
تا بشوید به آب قرآنش رونق زند و شیوه پازند

(همان: ۱۲۷)

در شعر موسوی گرمارودی، واژگان خود پیامبران‌اند که هر کدام پیامی دارند، پس باید واژه مرسل‌ی پیدا کرد که رسالت او رزم باشد، یعنی پیامبرانی که به عزم رزم، مرسل می‌شوند. برخی واژه‌ای پیدا کن / ... / واژگان پیامبران‌اند / واژه مرسل‌ی پیدا کن / صاحب عزم / در رسالت رزم (همان: ۲۲۳).

۸-۱. سلمان هراتی

طنین خطاب الهی و لبیک پیامبر در دشت مکه و غار حرا، دست اندرکار آفرینش می‌شوند و پیغمبر امی به ظهور می‌رسد.

در کوه تکلم خدا جریان دارد / از عادت کوچه‌های داغ عربستان / تا کوه دور حرا / پیغمبری به بار نشست / ... (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۶).

در شعر جمهوری گل محمدی، انسان بار دیگر در کویرستان تشنه، بانگ محمدی می‌افشانند و بهار، کاروان‌های رهسپار به سوی خورشید را معطر می‌کند.

بهار از تبار محمد است / و جهان / به تدریج در قلمرو این بهار / گام می‌زند. / فردا ما آغاز می‌شویم / فردا پایان بدی است / فردا جمهوری گل محمدی است (همان: ۲۲۳).

در سرزمین آفتاب، صبح آغاز می‌شود و پیامبران، به دنیا صبح به خیر می‌گویند گل محمدی سمبل صلح و صفاست.

فردا با یک زلزله صبح می‌شود / آنگاه پیامبران با شاخه‌ای از گل محمدی / به دنیا می‌گویند / صبح به خیر (همان).

در شعر هراتی، مبارزان نیز به صفت گل محمدی، متصف می‌شوند. برای مثال در شعر ناگهان بهار که برای سلیمان خاطر سروده است، او را گل محمدی خطاب می‌کند.

یک شاخه گل محمدی / با شدتی شگفت / در برودت سینا شگفت (همان: ۲۴۶)

پیامبر در شعر این شاعران، معلم فضل و منادی مکتب کامل بشری است. شخصیت والای پیامبر برای مبارزان و سربازان اسلام در جنگ تحمیلی، الگو و اسوه جهاد است.

آنان با تأسی به شخصیت جهادی پیامبر، ایران اسلامی را از وجود ناپاکان پاک

می‌نمایند. به طور کلی پیامبر در شعر این شاعران در دو بعد اخلاقی و عملی مدح و منقبت شده است. در بعد اخلاقی، منش‌ها و روش‌های والای پیامبر در برخورد با مردم و در بعد دیگر عملکردهای پیامبر در تأسیس مکتب اسلام و به تأسی از آن جمهوری اسلامی و نیز جهاد برضد منکران و کافران مورد توجه قرار گرفته است.

۲. بعد حادثه‌ای

۲-۱. بهار

در میان حوادثی که بهار در شعر بدان تلمیح دارد، معراج و غدیر خم، اهمیت و بسامد بالایی دارند. معراج پیامبر با همراهی جبرائیل و میکائیل، انجام می‌گیرد. بس برد مرکبش خرامان‌تر از تذرو جبریل در شبیش سیه گون‌تر از غراب وان گه به قاب قوسین^(۶) اندر نهاد آمد ز پاک یزدان او را نبی خطاب (بهار، ۱۳۷۸: ۳۹)

باز در شعری دیگر، می‌گوید که خداوند با معراج پیامبر، بالاترین مرتبه را به او بخشیده است.

ز قاب قوسین اندر گذشت و سوی خدا زهر چه بود و نبود جایگه فراتر بود
شگفت نبود از کردگار عزوجل که عالمی را در یک وجود مضمّر کرد
(همان: ۲۱۳)

غدیر خم نیز از حوادث مهم زندگی پیامبر است که بهار در شعر خویش، چند جای بدان اشاره دارد. غدیر خم فصل مشبعی از ولایت و استمرار چراغ هدایت برای شیعیان است. در غدیر خم خطاب آمد، زحق بر مصطفی تا علی را او ولی بر مهتر و کهتر کند تا رساند بر خلائق مصطفی اندر خدای از جهاز اشتران از بهر خود منبر کند گوید آن کاو را منم، علی مولای اوست زینهار از طاعت او گر کسی سر در کند (همان: ۴۷)

۲-۲. شهریار

یکی از ابعاد حادثه‌ای پیامبر در شعر شهریار، معراج آن حضرت است. حجاب کائنات آن گه به تیغ پر دل بگسیخت رسیدم بر در خلوتگه قوسین او ادنی روان من گواهی داد بر معراج پیغمبر زدم فریاد شوق از دل و سبحان الذی اسری (همان: ۳۸۲)

شاعر در این شعر، اذعان دارد که با تمام وجود خویش، معراج پیامبر را قبول داشته تا بدان حد که خود نیز مانند پیامبر، فریاد شوق سر می‌دهد. در شعر قیام محمد^(ص) پیامبر بر رفرع معراج سوار شده و به کرامت خاص الهی، ویژه و ممتاز می‌شود. سوار رفرع معراج در نوشت سماوات سرود صف به صف قدسیان سلام محمد^(ص) (همان: ۹۷)

۲-۳. صفارزاده

صفارزاده در شعرش امامت را قرین نبوت و هر دو را نشئت یافته از یک سرچشمه می‌داند و منکران ولایت را سرزنش می‌کند. آنان روا نداشتند/ در یک قبیله/ امامت/ قرین نبوت باشد/ قریش درد خلافت دارد/ برای ارتقاء قوم و قبیله/ پروردگار/ بی‌قبیله و خویشاوند است/ نوری برای نبوت/ نوری برای امامت/ پرورده است (صفارزاده، ۱۳۶۵: ۶۶).

۲-۴. موسوی گرمارودی

موسوی گرمارودی در شعری با تلمیح به آیه «معراج» (قاب قوسین او ادنی و سدرۃالمنتهی) را برای مبارزان راه آزادی سروده است. و تا این سوی خدا/ تنوره کشان اوج می‌گیریم/ قاب قوسین، او ادنی/ و آنک سدرۃالمنتهی (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۹۴). در شعری به نام حماسه بان غدیر، که در سوک علامه امینی سروده است به جریان عظیم غدیرخیم اشاره می‌کند: بیداری دوباره تاریخ را/ آنک/ سرداری از سرزمین مغان آذر گشسب/ به بطحا تا کرانه غدیرخیم، می‌تازد (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۴۸). از نظر شاعر غدیرخیم زخمی عمیق پریشانی تاریخ است که به مجاهدت این علامه‌ی نستوه سکوت هزار ساله آن شکسته شده است. زخمی هزار ساله/ از غدیر/ بر سینه/ و برپیشانی/... او تاریخ خفته را به فریاد خشم و حق جویی ندا در داد (همان: ۵۰).

۲-۵. هادی سعیدی کیاسری

کیاسری، از شب بعثت در غار حرا سخن می‌گوید. شب امشب به سوی حرا می‌رود به دیدار صبح و صدا می‌رود

حرا بود و دل بود شب بود و او شبی آتش افروز تب بود و او
(سعیدی کیاسری، ۱۳۷۳: ۱۳۱)
غار حرا، آن شب سرشار از نور نبوت و در رسالت پیامبر، خویش را از کوی و مکه
بریده و نظاره‌گر سخن گفتن خورشید با خداست.
حرا دامن از ماکیان چیده است دلش را به خورشید بخشیده است
(همان)
پیامبر در شعری دیگر آشنای بزم دعاست که در نور خدایی، دلش می‌تپد و شکوفا
می‌شود.

محمد^(ص) در این بزم محض دعاست مهیای هم صحبتی با خداست
کران تا کران نور بود و خدا نبود این حرا طور بود و خدا
(همان: ۱۲۷)

و قاصد خداوند بهار را ندا می‌دهد به خواندن تا شکوفا شود.
بخوان ای بهار، ای شکوفاترین بخوان ای پیام‌آور راستین
به نام خداوند هستی بخوان به مرگ بت و بت‌پرستی بخوان
(همان: ۱۲۸)

۲-۶. مهر داد اوستا

پیامبر در شعر مهرداد اوستا الگوی مبارزه و سمیل رهنایدن مردم از شب و تاریکی
بیداد است.

همه فر الهی همه ره خدایی جهان را از و کفرکیفر گرفته
به فرنگین رسالت جهان را درفشان هوای پیامبر گرفته
(اوستا، ۱۳۶۷: ۳۲)

در شعر اوستا امام خمینی چشم و چراغ پیامبر و حضرت زهراست.
به سوی روح خدا بود روی دل وان روی فروغ چشم و دل مصطفی و زهرا بود
(همان: ۷۹)

خجسته بود پیامبر، سلاله‌ی یاسین فروغ طلعت یثرب چراغ بطحا بود
چنو خدایی مردی زگوهر یاسین که فر ایزدی‌اش از تبار طاها بود
(همان: ۸۵)

مهرداد اوستا در شعری که در (در سوگ شهیدان اسلام) سروده به حماسه غدیر اشاره دارد.

الحمد خدا را که به معراج ولایت المکت لکم دینکم از نص غدیرند
(همان: ۱۳۲)

۱-۷. حمید سبزواری

سبزواری در شعر خویش، بعثت پیامبر را مطرح می کند. پیامبر در شب مبعث چونان مرغی نازنین به غار حرا می شتابد تا دعوت الهی را لبیک گوید.

هم چو مرغی که خیزد به کهسار بال بگشود آن نازنین پر
تا به میعاد دلبر شتابد بسپرد گوهر دل به دلبر

(سبزواری، ۱۳۸۱: ۶۰)

پیامبر در شب بعثت بر تار الهی زخمه می زند و ندای لبیکش آتش شوق بر چرخ اخضر می پراکند.

لب چو بگشود احمد برآمد از ملک بانگ الله اکبر
جان مشتاق احمد در آن شب زخمه زد زخمه بر تار دلبر

(همان: ۶۱)

در شعر این شاعران حوادث زندگی پیامبر در بعد حادثه‌ای، از آغاز شگفت‌انگیز و تحول‌آفرین رسالت نبوی در غار حرا و نیز غدیر خم به عنوان مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام و موثر در زندگی مسلمانان مطرح شده است. بعثت پیامبر آغاز روشنی و رهایی مردم از تاریکی جهل و بت‌پرستی و حادثه غدیر خم، بیانگر استمرار رسالت نبوی و هدایت انسان‌ها و اصلاح جوامع انسانی با نشان و رهبری علوی است.

۳. بعد روایتی

در شعر شاعران مورد بحث گفته‌های نبوی به صورت اقوال و روایاتی است که به مناسبت‌های مختلف بیان شده است. البته بسامد حدیث و روایت در این دوره جز در شعر برخی از شاعران کم است در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم.

۳-۱. بهار

در شعر بهار، احادیثی فراوان به صورت تلمیح از پیامبر آمده است که گویای توجه آگاهانه شاعر به روایات و احادیث منقول از نبی است. یکی از مشهورترین نقل قول‌ها و احادیث پیامبر، درباره امام حسین است که فرمود «حسین منی، انا من حسین».

خود این گفته نبی به گیتی مبرهن است که باشم من از حسین، حسین نیز از من است

(بهار، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

و در شعری دیگر، سخن پیامبر را در شأن و مرتبت والای امام حسین^(ع) بیان می‌دارد.

رتبتش پیدا ز اسرار حسین منی است به خدا کاین سخن از دو لب پیغمبر است

او ز پیغمبر و پیغمبر از ویست آری بی سبب نیست که جبریل ستایشگر اوست

(همان: ۱۶۳)

در شعر دیگر با تلمیح به حدیث نبوی «حب الوطن من الایمان» (فروزانفر، ۱۳۷۶: ۳۸۸) ایرانیان را برای مبارزه در راه وطن تشجیع و ترغیب می‌کند:

هر که را مهر وطن در دل نباشد کافر است معنی حب‌الوطن فرموده پیغمبر است

و از همین روست که کشتگان راه وطن را شهید می‌خواند:

هر که بهر پاس عرض و مال و مسکن چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغر

و باز در بیتی دیگر، روایت پیامبر را در مورد اشقیاء و سعدا بیان می‌دارد که فرمود:

«السعيد من سعد فی بطن امّہ و الشقی من شقی فی بطن امّہ» (فروزانفر، ۱۳۷۶: ۱۴)

رضوان بهشت و مالک دوزخ هستند دو مام خوب و بد گوهر

زان رو سعید و شقی امت را بر این دو حواله داد پیغمبر

(بهار، ۱۳۷۸: ۴۰۳)

در بیتی دیگر سفارش پیامبر در مورد همسایه را بیان می‌دارد و از این طریق، شعری را برای شهر باکو (۱۳۲۳) هدیه می‌فرستد:

ما هم از ری سوی همسایه درود آوردیم که ز همسایه سخن گفت بسی پیغمب

(همان: ۵۷۰)

که در واقع نوعی مصادره به مطلوب است تا بدین وسیله، لطف و محبت ایران را نسبت به همسایه‌ی خویش نشان دهد.

در شعری دیگر به این گفته پیامبر استناد می‌کند که فرمود «واعلموا انّ الجنة تحت

ظلال السیوف» (ا. ی. ونسینگ، ۱۹۳۶، جزء ثانی: ۱۰۰) و در آنجا شمشیر و قلم را

همراه و ملازم یکدیگر می‌آورد.

فرمود نبی جنت در سایه شمشیر است گشت از قلم سرهنگ این مسئله برهانی
شمشیر و قلم با هم نشگفت که شد منضم ذوق است و ادب توام با فطرت ایرانی
(همان: ۵۲۴)

باز در شعری دیگر، اویس قرن، را ستایش قرار می‌کند که پیامبر درباره‌اش فرمود:
انی لاجد نفس الرحمن من جانب الیمن (فروزانفر، ۱۳۷۶: ۲۵۰ و ۳۷۸)
ستودمت نادیده بعد از دو قرن چو مر مصطفی را اویس قرن
(بهار، ۱۳۷۸: ۴۱۰)

۲-۳. شهریار

شهریار نیز در اشعار خود، اقوال پیامبر را ذکر می‌کند. در «شعر اسلام و خدمت
اجتماع» به داستانی بدین مضمون اشاره دارد که یاران پیامبر در ماه رمضان پس از طی
مسافتی طولانی بیهوش نقش بر زمین می‌شوند، و غیر روزه‌داران، آستین‌ها را بالا
می‌زنند و خیمه‌ها بر می‌افرازند و مشک‌ها پر از آب می‌کنند و آنان را سیراب می‌سازند و
پیامبر با توجه به کوشش آنها می‌فرماید که با اینکه روزه‌دار نبودند، اجر روزه‌داران را
نصیب بردند.

عقل کل فرمود اینها بی صیام اجر دین بردند با سنگ تمام
پیام شاعر در این شعر خدمت به خلق و مردم است (شهریار، ۱۳۷۲: ۴۰۰).
شهریار در شعری دیگر به داستان بلال اشاره دارد. بلال پیامبر را در خواب می‌بیند
که او را خطاب می‌کند و می‌فرماید چرا از خاندان ما جدایی گرفته‌ای؟ و بلال سراسیمه
به حجاز می‌شتابد و در پاسخ به ندای پیامبر با صدایی صاف و رسا، نوای اذان سر
می‌دهد.

به صوتی یادگاری از پیامبر اذان سر کرد و گفت الله اکبر
پس آن گه مهبط روح الامین را محمد رحمه للعالمین را
بلال است این اذان گوی پیامبر پیامبر زنده شد الله اکبر
(همان: ۴۱۰)

۳-۳. امیری فیروز کوهی

امیری فیروز کوهی در یکی از مثنوی‌های خویش، به روایتی از پیامبر استناد
می‌جوید که بر اساس آن، تقرب و نزدیکی به حق، عمل انسان را صواب و حق می‌کند.

مصطفی گفت کز تقرب حق فعل تو می‌شود ز حق مشتق
راست فرمود آن پیامبر پاک لیکن آن را به ضد کنی ادراک

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۶۹: ۸۶۹)

در شعری دیگر، نبی رحمت که گزیده مکارم اخلاق است، به کیاست و سیاست سفارش و وصایت دارد.

نبی رحمت آن یگانه طاق آن گزیده مکارم اخلاق
گفت با خلق، ساده کیش مباش غره حسن ظن خویش مباش
هر کجا پای جنگ پی سیر است آن برد جنگ را که حيله‌گر است

(همان، ج ۲: ۹۰۱)

۳-۴. صفارزاده

یکی از جلوه‌های نبوی در شعر صفارزاده، بیان محبت پیامبر به علی است که همواره عاشقانه و مسئولانه پیامبر را یاری کرده است. او در شعری، حضرت علی را مسئول کفن و دفن نور (پیامبر) می‌داند.

در کفن و دفن نور/ با دست‌های نور/ مجموع داوران/ سپیدی گیسو را/ برتر دیدند/ از سپیدی نور/ در سن و سال نور/ بحث و جدل کردند (صفارزاده، ۱۳۶۵: ۴۶).
و باز حضرت زینب و سالار صبر که میان فاجعه و دلبندان، حایل شده است، بهانه‌ای می‌شود که شاعر، از پیامبر و امام علی سخن گوید.

صحرای کربلا دامگه خوفناک پاکان است/ مقصد حسین سرکوب سلطه‌ی ناحق است/ سرکوب سارقین خلافت با اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر (همان: ۷۸).

شاعران مذکور، به تحلیل هنرمندانه سخنان و روایات پیامبر در ابعاد و حوادث گوناگون پرداخته‌اند. در بعد روایتی، فرموده‌های پیامبر در باره شخصیت‌های دینی چون امام علی^(ع) و امام حسین^(ع) و نیز اویس قرنی و بلال و نیز سخنان آن حضرت که بیانگر اخلاق و سیره والای نبوی در باره همسایه و وطن دوستی و جهاد مبارزه در راه اسلام و ملاک درستی اعمال آدمی است، با زبان ادبی شعر بیان شده است.

۴. بعد تصویری

یکی از ابعاد شخصیتی زیبای پیامبر در شعر معاصر فارسی به ویژه شعر عصر امام خمینی، تصاویر هنری و جلوه‌های استعاره‌ای پیامبر^(ص) است. هدف شاعر در این

تصویرسازی، ارائه ترکیبات و تعابیر زبانی تازه و نو از شخصیت پیامبر است. این تصویرسازی همراه با پیام‌های سیاسی و اجتماعی است لیکن این پیام‌ها در لوای تصویر کم‌رنگ‌تر شده است.

۱-۴. احمد عزیزی

احمد عزیزی در کفش‌های مکشفه، با روش تصویرگری، جلوه‌های زیبایی را از پیامبر به زبان آورده است. در این شعر حدیث لولاک، و غار حرا دختران حریم عاطفه هستند.

دختر لولاک! در این طایفه مرده دیگر بوته‌های عاطفه
دختر پاک حرا! فصل گل است زخم عاشوراییم در غلغل است

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۳۹)

در شعری دیگر، گل یاس تداعی کننده یاد پیامبران و اخلاق نیک نبی اکرم اسلام^(ص) است.

یاسها یادآور پروانه‌اند یاسها پیغمبران خانه‌اند
یاس بوی حوض کوثر می‌دهد عطر اخلاق پیامبر می‌دهد

(همان: ۱۳۷)

این شعر در واقع بیان دیگری از آیه شریفه «انک لعلی خلق عظیم» است. این تصویرسازی، در واقع بیان بعد هنری و جدیدی از مقام عظیم نبوت در شعر معاصر است که تمایزی آشکار با جلوه‌های نبوی در شعر سنتی و حتی شعر پیش از انقلاب اسلامی دارد. این تصویر هنری، از ایجاد نوعی رابطه جدید بین ارکان طبیعت و صفات رسالت، سخن می‌گوید.

احمد عزیزی در شعر خویش رابطه علی و پیامبر را به تبسم آفتاب تعبیر می‌کند.

جز تو پیغمبر تبسم با که کرد آفتاب آخر تکلم با که کرد
چون ندیدند از تو خلق کور و کر ردّ ردّ الشمس در شق القمر

(میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۴۰)

در واقعه‌ی غدیر خم در شعر احمد عزیزی خاک به تصویر کشیده می‌شود به نشانه‌ی گسترده شدن ولایت و جانشینی پیامبر.

ای حصار عرش بر فرش حصیر وی غبار وحی بر خاک غدیر^(۷)

(همان: ۱۴۱)

۲-۴. سعیدی کیاسری

در شعر سعیدی کیاسری نیز غار حرا به گل آفتاب تشبیه شده است.

کسی التهاب حرا را ندید گل آفتاب حرا را ندید
ندیدند لرزیدن مکه را و بیدار خوابیدن مکه را

(همان: ۱۳۱)

در این شعر غار حرا آیینه شکوفای رسالت و میزبان بزرگ جهان است.

زمین و زمان میهمان حراست تمام جهان میهمان حراست
حرا محفل باشکوهی ز عشق حرا میهمان دار کوهی ز عشق

(همان)

شب بعثت پیامبر غار حرا سرشار از نور رسالت نبوی است.

گلستان نور است امشب حرا متین و صبور است امشب حرا

(همان)

۳-۴. علی معلم

علی معلم در شعر خویش، با یادآوری غزوه‌های بزرگ احد و حنین و خندق، بدون اینکه صریحاً نام پیامبر اعظم را برده باشد، به تلمیح، از شهدای این غزوه‌ها سخن می‌گوید و پهلوانی‌ها و سترگی‌های آنان را می‌ستاید.

یاد عزیزی که بر خندق گذشتند سنگین بساط ناروایی در نداشتند
یاد احد یاد بزرگی‌ها که کردیم آن پهلوانی‌ها، سترگی‌ها که کردیم

(معلم، ۱۳۶۰: ۱۶۰ و ۱۶۴)

تصویر آئینه و گل، استعاره‌ی زیبایی برای محمد^(ص) است.

مصطفی^(ص) آینه بود، آینه‌واری گل کرد هفت شهر آینه را پر سمن و سنبل کرد
رتبه طوطی آئینه نگر موسی داشت مصطفی^(ص) آینه‌وش، رتبه طاووسی داشت
مهر داوود نبی رونق ناهیدی بود مصطفی^(ص) آینه حیرت خورشیدی بود

(همان: ۱۶۴)

۴-۴. عبدالرضا رضایی نیا

در شعری در وصف رزمندگان پور شور و حماسه آفرین اسلام آنان را به پیامبر

تشبیه می‌کند که سبکبال همانند مقتدای خویش از خاک به افلاک پر می‌کشند.

سبک شدیم / چونان هاییل / به گاه گندم / چونان مصطفی / در شب اسری (همان: ۲۸۰).

۴-۵. حمید سبزواری

در شعری، پیامبر را مورد خطاب قرار می‌دهد که در این فتنه و آشوب زمانه امت اسلام را یاری نماید.

ایا نبی مکرم، ایا رسول امین کنون ز قله هر بهتری به ما بنگر
نگر به چشم خدایین به تیره روزی خلق ز زشتکاری اهریمنان بد گوهر
پی خرابی بنیان ملت اسلام یکی گرفته به کف تیشه و آن گرفته تبر
(سبزواری، ۱۳۸۱: ۳۹۸)

حمید سبزواری در شعر خویش، تصاویری هم چون خامه تقدیر و مشکوه اختران ارائه می‌دهد.

در شعری می‌گوید که پیامبر ماء و طین را نقش می‌زند و خاتم وجود را بر انگشت می‌کند.
ای وجودت خامه تقدیر نقش ماء و طین دفتر ایجاد را نام تو حرف اولین
یاد احد یاد بزرگی‌ها که کردیم آن پهلوانی‌ها، سترگی‌ها که کردیم
(همان: ۳۰۹)

در این بیت پیامبر عامل ایجاد کون و مکان هستند و عرش و فرش، زینت و ذات خویش را از نور وجود پیامبر می‌گیرند.

اختران آسمان را پرتو مشکوه تو مهر و مه را آیتی تا بیده از آیات تو
هر چه نیکویی عیان در صفحه مرآت تو مظهر اسمای یزدانی و با حق ذات تو
(همان: ۳۰۹)

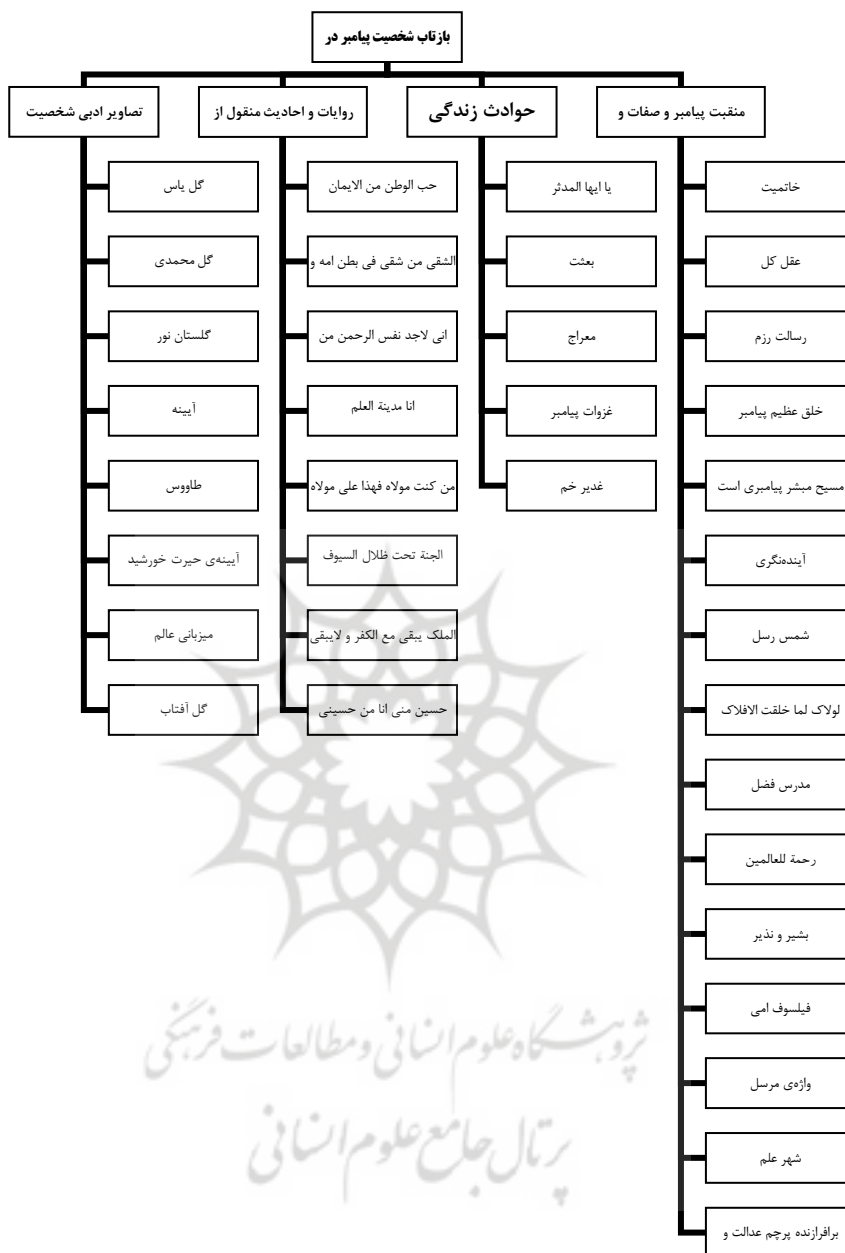
همان گونه که از اشعار مذکور بر می‌آید، در بعد تصویری با تصاویر متفاوت ادبی و هنری که از پیامبر ارائه می‌شود، ظرفیت شعر معاصر در بیان تصویرآمیز شخصیت پیامبر و دیگر شخصیت‌های دینی به نمایش گذاشته می‌شود. در شعر این شاعران پیامبر و شخصیت‌های دینی، با تصاویری همچون آفتاب و آیینه و یاس و گندم گره خورده و جلوه‌ای تازه را در پیوند دین و طبیعت به ظهور می‌رساند.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این مقاله نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. بازتاب شخصیت نبوی در شعر معاصر به علت فضای متفاوتی که با شعر کلاسیک دارد محدودتر است و شعر شاعران شاخص معاصر چون نیما، فروغ فرخزاد و شاملو به کلی فاقد این بازتاب است.
۲. شخصیت نبوی در شعر دو تن از شاعران معاصر (موسوی گرمارودی و صفارزاده) که خاستگاه و رویکردی دینی دارند بازتابی برجسته داشته و به گونه‌ای متفاوت با الگوهای شعر سنتی باز آفرینی شده است.
۲. شخصیت پیامبر در شعر نو، متمایز از شعر سنتی است؛ به عبارت دیگر پیامبر منطبق با آرمان‌ها و نیازهای جامعه در شعر جلوه‌گر شده است.
۳. خاستگاه و محیط زندگی شاعر نیز در به کارگیری مضامین و موضوعات درباره پیامبر اکرم نقشی مؤثر دارد. بدین معنی که شاعران دینی در اشعار خود شخصیت پیامبر و الگوهای دینی را گسترده‌تر، آرمانی و هنرمندانه‌تر جلوه داده‌اند.
۴. نمونه‌هایی فراوان از جلوه‌های نبوی و مضامین دینی در شعر شاعران مذکور وجود دارد که پرداختن بدان‌ها از حوصله این مقال خارج است و امید است که در تحقیقات بعدی بیشتر بدان توجه شود.
۵. مجموعه ابعاد مختلف وجودی شخصیت پیامبر در شعر معاصر در نمودار زیر نشان داده شده است.

ابعاد مختلف وجودی شخصیت پیامبر در شعر معاصر فارسی



پی‌نوشت

۱. ر.ک. درستی، ۱۳۸۱، شعر سیاسی دوره پهلوی، تهران، مرکز، ستاد انقلاب اسلامی، احمد، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱.
۲. شعر این دوره نوعی رویکرد ثقلین محوری دارد، ر.ک. ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۱۰۳.
۳. این بیت به آیه شریفه «انک لعلی خلق عظیم» اشاره دارد.
۴. و نیز ر.ک. صفحات ۱۲۳-۳۷۰-۳۷۹.
۵. بیت اول به آیه ۱۱۰ سوره کهف که می‌فرماید: «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الکم اله واحد» اشاره دارد.
۶. قاب قوسین به آیه‌ای از قرآن اشاره دارد «ثم دنی فتدلی - فکان قاب قوسین اوادنی (سوره نجم آیه ۹).
۷. و نیز ر.ک. عزیزی، ۱۳۶۹: ۵۲-۷۷-۹۵-۹۶-۲۱۱-۲۴۹-۳۳۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۶) ترادی ممکن بوم و بردوست دارم، تهران، نشر مروارید.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۸۲) مجموعه ارغنون، تهران، نشر زمستان، جلد سیزدهم.
- امیری فیروز کوهی (۱۳۶۹) دیوان، جمع و تدوین امیر بانو امیری فیروز کوهی، تهران، انتشارات سخن جلد دوم.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۴) سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ایزد پناه، عباس (۱۳۷۸) در قلمرو فلسفه‌ی ادبیات و ادبیات دینی، جریان‌شناسی ادبیات معاصر، چاپ دوم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.
- بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۷۸) دیوان، چاپ اول، انتشارات سمیرا.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۳) مجموعه اشعار، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۳) گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران، چاپ اول، تهران، نشر اختران.
- راستگو، سید محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، سازمان سمت، ج سوم.
- سبزواری، حمید (۱۳۸۱) سرود سپیده، چاپ اول، تهران، نشر اطلاعات.
- سعیدی کیاسری، هادی (۱۳۷۳) نامی که گم شده است، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- شهریار (۱۳۷۳) دیوان، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات زرین و نگاه.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۵۶) سفر پنجم، چاپ دوم، تهران، انتشارات حکمت.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۵۷) گزیده اشعار، چاپ اول، تهران، انتشارات رواق.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۶۵) بیعت با بیداری، شیراز، نوید شیراز.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۶۵) سد و بازوان، چاپ دوم، تهران، انتشارات نوید.
- عزیزی، احمد (۱۳۶۹) کفش‌های مکاشفه، تهران، نشر الهدی.
- عزیزی، احمد (۱۳۷۱) باران پروانه، تهران، انتشارات برگ.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۷۶) احادیث و قصص مثنوی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۸) تاریخ تحلیلی شعر نو، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- معلم، علی (۱۳۶۰) رجعت سرخ ستاره، چاپ اول، تهران، حوزه هنری.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۸) دستچین، اول.
- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۵۷) در فصل مردن سرخ، چاپ اول، تهران، انتشارات راه امام.
- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۵۷) سرود رگبار، چاپ اول، تهران، انتشارات رواق.
- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۶۳) چمن لاله، چاپ اول، تهران، نشر زوار.
- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۶۳) خط خون، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار.

موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۶۸) دستچین (گزیده اشعار) چاپ اول، تهران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

موسوی گرمارودی، علی (بی‌تا) در سایه‌سار نخل ولایت، تهران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

میرجعفری، سیداکبر (۱۳۷۶) حرفی از جنس زمان (تأملی در شعر انقلاب اسلامی) چاپ اول، شیراز، نشر نو.

هراتی، سلمان (۱۳۸۰) مجموعه کامل اشعار، چاپ اول، تهران، چاپ خجسته نو.

ونسینگ، ا. ی (۱۹۳۶) المعجم المفهرس، الفاظ حدیث النبوی، مکتبه بریل، لیدن.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۳) چون سبوی تشنه، چاپ اول، تهران، نشر جامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی